

آشنایی با رسالات موسیقی



دکتر حسین موشعش

بحور الالحان

موضوع این کتاب نسبت «ایقاع» با «عروض» است و در بخش عظیم آن پس از ذکر مقدمه‌ای در ایقاعات و شناخت اوزان، غزلیات سعدی، حافظ، جامی، فرصت شیرازی را در فصول جداگانه و سپس با رباعیات و مثنویها که در زمانها و مکانهای مختلف باید خوانده‌نقل می‌کند. فصلهای این کتاب چنین است:

- ۱- نغمه‌ی اولی ست زفیض عظیم / ۲- مقدمه / ۳- غزلیات سعدی / ۴- غزلیات حافظ / ۵- غزلیات جامی / ۶- غزلیات متفرقه / ۷- غزلیات فرصت شیرازی / ۸- رباعیات سعدی / ۹- رباعیات حافظ / ۱۰- رباعیات جامی / ۱۱- رباعیات فرصت شیرازی / ۱۲- دوبیتیهای باباطاهر همدانی / ۱۳- مثنوی پیرو جوان از جد مولف / ۱۴- مثنوی از وحشی کرمانی / ۱۵- مثنوی از انیسی شاملو / ۱۶- مثنوی سعدی / ۱۷- لیلی و مجنون مکتبی / ۱۸- ابوالقاسم کابلی / ۱۹- مولوی / ۲۰- ساقی نامه‌ی سعدی / ۲۱- ساقی نامه‌ی حافظ / ۲۲- قطعات ابن یمین / ۲۳- مناجات عربی از حضرت علی (ع) / ۲۴- رباعیات فارسی برای مناجات.

غناء و موسیقی

رساله‌ی «غناء موسیقی» اثر آیت الله شیخ عبدالحسین فاضل بیجاروی گروسی از علمای قرن گذشته است.

شیخ فاضل گروسی در سال ۱۲۵۹ هجری ششمین در بیجار گروس متولد شده و در ۱۳۲۴، در همان شهر از دنیا رفته است. او در علوم ریاضی، نجوم، فلسفه و منطق دست داشت و با زبانهای ترکی، انگلیسی، عربی و فرانسه آشنا بود و با عنوان «کنوز اللثالی» تفسیری بر قرآن نوشته است و رساله‌ای نیز در «تجوید» و موسیقی قرآن

دارد. (۱)

رساله‌ی غزل و موسیقی وی به همت اکبر ایرانی در مجموعه‌ی «موسیقی در سیر تلاقی اندیشه‌ها» منتشر شده است. نویسنده، رساله‌ی خود را با این سوال شروع می‌کند: «لعل قرآن چطور است، جایز است یا حرام؟» و پس از ذکر اخباری در این باب به شرح عالمانه‌ی لغات غناء، طرب، ترجیع می‌پردازد و اخبار طرفین را در رو می‌نهد و نتیجه می‌گیرد: «... در مسأله غناء اگر مخلوط به آلات طرب نباشد و به بحر تصنیف و الالحان اهل فسق و طرب، کلمات را ادا نکند و در قرائت قرآن و خواندن اشعار، قصد لهو و لعب نباشد، بلکه قرینه‌ی الهی باشد، محض بردن اجر، قرائت کند ولو به هر اندازه خوش صدا باشد و تحریک و ترجیع کلمات را ادا کند، عیبی و حرمتی ندارد، بلکه به سبب امر به تحسین صوت و ترجیع و تحزین و تغنی، رجحانی هم پیدا می‌کند و آن شل الله مثاب و ماجور است» (۲)

نویسنده، بخش دوم رساله را اختصاص به «لهو حرام» داده است و پس از بحث مستوفی در این امر، در فرجام سخن می‌گوید: «... ما دلیلی از برای حرمت مطلق غناء پیدا نکردیم، مگر به قصد لهو باطل و یا اینکه اساس کلام لهوی و به الالحان اهل طرب و معصیت باشد.» (۳)

نویسنده‌ی رساله در بحث خود، برخی از لهوها را نیز که مقدمه برای شعی مباح یا مستحب یا واجب باشد، مستثنی و مجاز می‌شمارد. مانند تقنی در عروسی یا عمل ریاضت و زورخانه و میل گردانیدن و کباده کشیدن و پازدن و چرخ خوردن و معلق زدن و غیره را به بحث می‌گذارد و می‌گوید: «... ظاهر این است تمام این افراد داخل در لهو و لعب است، لیکن از آن طرف دلیلی برای حرمت مطلق لهو و لعب در دست نیست، بلکه آن لهو و لعبی که مقدمه فعل حرام باشد یا منتهی بشود به فعل حرام، آن وقت حرام

است. (۴)

شیخ فاضل گروسی عقیده دارد که موسیقی را باید دو قسمت کرد و قسمتی را که مباح است از موضوع لهو و لعب خارج ساخت و گرنه باید قائل به دو گونه «لهو معقول» و «لهو نامعقول» بود.

رساله‌ی اذکاریه

یک نسخه‌ی خطی از این رساله در کتابخانه‌ی ملک (به شماره‌ی ۸۳۰/۲ گ) بر جااست که از سوی علی رضا بن حسین بن اسماعیل قاننی استنساخ شده است و احتمالاً مولف رساله هم او باشد که «الادوار» اورموی را نیز در همین مجموعه در سال ۱۲۷۵ کتابت کرده است. اثر، در آداب خواندن آوازا و اذکار و اوراد در منابر و مجالس عزاداری و در ۱۰ باب نگاشته شده است. عنوانهای بابهای دهگانه چنین است:

- ۱- مقامات و شعبات و آوازاات مختلفه ۲- آوازا در چه وقت خوانده شود ۳- آوازهایی که پیغمبران می‌خوانند ۴- در علاج امراض ۵- وحش و طیر که چه آواز می‌خوانند ۶- مرثیه محتشم در منابر ۷- اذکاری که در پای منابر خوانده شود ۸- اذکاری که در گلدسته‌ها خوانند ۹- اذکاری که در ارایش و متصوفه خوانند ۱۰- تصنیفاتی که در مجالس اهل طرب خوانده شود.
- رساله با این بیت آغاز می‌شود:
- راست گویان مجازی به نوامی گویند / که حسین کشته شد از بحر مخالف به عراق
و با این بیت پایان می‌یابد:
- کوحسینم، کوحسینم، کوحسینم / کوشهیدم
کوشهیدم، کوشهیدم؟

مجمع الادوار

یکی از سیاستمداران محیل و کهنه کار دوره‌ی رضاخان موسوم به مهدیقلی هدایت و ملقب به مخبرالسلطنه در سال ۱۳۱۷ رساله‌ای با عنوان فوق چاپ کرد. این رساله سرقت آشکاری از مطالب «الادوار» ارموی و شرح ادوار مراغی و مقاصد الالحان و درةالتاج است (۵) که نویسنده با نقاضلی بی مایه، همه‌ی مطالب را به خود نسبت داده است. آقای مهدی ستایشگر در تحلیل این سرقت می‌نویسد: «هدایت در حالی که می‌اندیشد ممکن است در تالیف مجمع الادوار شهرت پرستی انگیزی او بوده است، آن هم با ساز و نواز و با سوز و گداز، می‌افزاید که الادوار (اثر ارموی) رساله‌ی مختصری است، شرح و بسطی ندارد (!) و غالب در نتیجه مولف به جداول، قناعت کرده است و گرچه او (هدایت)

ابتدا چیزی از آن نفهمیده، ولی ادوار بی چیزی هم نبوده است. (۱) او، پس از استنساخ شرح ادوار مراغی، نسخه‌ای از درةالتاج قطب الدین شیرازی و مقاصد الالحان مراغی را نیز یافته بدانها ضمیمه کرده و در مجموع مطالبی گردآورده است و مجمع الادوار نامیده (۲).

مخبرالسلطنه به انتهای کتاب خود ساخته‌اش، چندین صفحه شعر نیز که خود سروده، افزوده است. این ابیات شاید از بی مایه‌ترین نمونه‌های شعری فارسی باشد که چنین شروع می‌شود:

گر ز ماهور ابتدا خواهی نمود / راست پنجگاه را بیاید
در فزود!

مقاصد الالحان

دارای دیباچه، مقدمه، ۱۲ فصل و خاتمه است. دیباچه با حمد خدا و نعت رسول اکرم (ص) شروع می‌شود. مقدمه پنج فصل دارد: ۱- در تعریف موسیقی ۲- کیفیت حدوث صنعت موسیقی ۳- در ذکر موضوع موسیقی ۴- در ذکر مبادی موسیقی ۵- در علت غائی موسیقی

شرح ابواب دوازده گانه چنین است: باب اول و آن مشتمل است بر چهار فصل: فصل اول در تعریف صوت، فصل ثانی در تعریف نغمه و کیفیت حدوث آن، فصل ثالث در سبب وصول صوت و نغمه به سامعه، فصل رابع در بیان اسباب حدث و نقل

باب ثانی و آن مشتمل است بر سه فصل: فصل اول در تقسیم دساتین به طریق صاحب ادوار، فصل ثانی در تقسیم دساتین به طریقی که مقدار و نسبت بعد بقیه از آن معلوم گردد، فصل ثالث در تقسیم دساتین به طریقی دیگر که از آن معلوم شود که هر نغمه ثقال و حواد بر چند عدد از اعداد واقع شود.

باب ثالث و آن مشتمل است بر پنج فصل: فصل اول در بیان ابعاد و ذکر نسبت آنها، فصل ثانی در اضافات ابعاد بعضی به بعضی، فصل ثالث در فضل ابعاد بعضی از بعضی. فصل رابع در تصنیف ابعاد، فصل خامس در بیان اسبابی که موجب تنافر باشد.

باب رابع و آن مشتمل است بر سه فصل: فصل اول در ذکر بعضی از اصناف اجناس و نسبت ابعاد و اعداد آنها، فصل ثانی در تالیف ملایم از اقسام بعد ذی الاربع و بعد ذی الخمس، فصل ثالث در ترتیب دوایر از اضافات اقسام طبقه‌ی ثانیه به طبقه‌ی اولی.

باب خامس و آن مشتمل است بر چهار فصل: فصل اول در حکم و ترین، فصل ثانی در حکم ثلاثه‌ی اوتار، فصل ثالث در حکم اربعه‌ی اوتار که عود قدیم است،

فصل رابع در حکم خمسه‌ی اوتار که آن را عود کامل گویند و طریقه‌ی اصطحاب اوتار آنها با یکدیگر به طریق معهود

باب سادس و آن مشتمل است بر چهار فصل: فصل اول در بیان ادوار مشهوره فصل ثانی در بیان طبقات ادوار، فصل ثالث در تعیین آوازات سته و آنچه مولانا قطب الدین شیرازی بر صاحب ادوار اعتراض کرده و جواب از آنها که این فقیر گفته و ذکر بعضی اعتراضات که بر ایشان وارد است فصل رابع در بیان شعبات بیست و چهار گانه.

نقاوة الاثار

اثر عبدالعزیز فرزند یا نوهی عبدالقادر مراغی که اثر خود را به نام سلطان محمد فاتح تالیف کرده است این رساله در یک مقدمه و ۱۰ اصل است و مولف در تالیف آن از «کنز الالحن» بهره برده است. نسخه‌های خطی این اثر، اغلب در ترکیه است.

نفائس الفنون

عصر سلطان محمد خدا بنده (۷۰۳-۵۷۱۶ هـ) عصر طلایی و شکوفایی فرهنگ اسلامی در ایران است. در این عهد، شهر سلطانیه به مرکز دانشگاهی و تحقیقات علوم اسلامی بدل گشت و دانشمندان علوم مختلف را در خود جای داد. در این عصر آثار متعددی در دانشهای گوناگون تالیف شد و کسانی چون علامه‌ی حلی ظهور کردند.

شمس الدین محمد بن محمود املی نیز در این دوره پیدا شد و دانشنامه‌ای جامع با نام «نفائس الفنون فی عرایس العیون»، تالیف کرد و آن را به دو قسم علوم اوایل و علوم اواخر تقسیم کرد. در علوم اوایل از حکمت عملی، حکمت نظری، ریاضی، فروع طبیعی و فروع ریاضی بحث کرده و در علوم اواخر از علوم شرعی، علوم تصوف و توابع آن، علم محاوره یعنی محاوره، تواریخ و سیر، مقالات اهل عالم، علم انساب، علم غزواته علم حاجی یا معرفت ترکیبات پیچیده‌ی عربی سخن می‌گفت.

مباحث موسیقی، فن چهارم از مقالات سیم از قسم دوم در این کتاب را تشکیل می‌دهد و شامل مقدمه و پنج باب است که هر باب به چند فصل تقسیم می‌شود. در همه فصول، املی، گاه مطالب دانشنامه‌ی ابن سینا و کتاب الادوار صفی الدین را عینا نقل کرده است.

برخی از عنوانهای فصول بابها چنین است: فصل اول از باب اول در تعریف صوت و کیفیت حدوث آن، فصل دوم در تعریف نغمه که در هر کدام آرای فارابی و صاحب شریفه را به اختصار ذکر کرده است.

فصل اول از باب چهارم «در بیان آلات الحان» است

که در اینجا سازها را به دو گروه ذوات الاوتار و ذوات النفخ تقسیم می‌کند و نام سازها را به روایت از صفی الدین بر می‌شمارد

در همین فصل به نقل از فارابی، حلق انسان را «اشرف آلات» می‌شناسد و پس از آن «عود» را برتر می‌شمارد و کثرت اوتار را سبب «رونق الحان» می‌داند. در قسم «ایقاع» نیز، املی تلخیصی از مباحث علمی صفی الدین را آورده است.

رساله‌ی موسیقی جامی

نورالدین عبدالرحمان جامی در سال ۸۱۷ هـ. در «خرجرد» جام به دنیا آمد. در جوانی در هرات تحصیل کرد و در دوره‌ی کمال به شهر سمرقند رفت و تحت حمایت سلطان حسین بایقرا، سلطان هنرپرور و ادب دوست آن عهد و وزیر سخن سنج او امیر علیشیر نوایی قرار گرفت و چندین اثر ارزشمند از جمله «هفت اورنگ» شامل هفت مثنوی بزمی به تقلید از نظامی گنجوی، «نفحات الانس» در شرح احوال اولیای و صوفیان، «بهارستان» در هشت روضه به تقلید گلستان را تصنیف کرد و در سال ۸۹۸ هـ. در هرات از دنیا رفت.

جامی اعتنا و توجه به هنر به ویژه موسیقی را در خود، مدیون سلطان حسین بایقراست و رساله‌ای در موسیقی تالیف کرده و به او تقدیم داشته است. از رساله‌ی موسیقی عبدالرحمان جامی یک نسخه خطی یافت شده است که در سال ۱۹۶۰م در تاشکند چاپ شده و نشر تهران، چاپ مغلوطی از آن است.^(۷)

جامی، رساله‌ی خود را به تقلید و با الهام از آثار عبدالقادر مراغه‌ای یعنی «مقاصد الالحن» و «جامع الالحن» به قلم آورده است. به ویژه بخش معرفی سازها را از او گرفته است و باید گفت که برخی از سازها که بعدها نام آنها در رسالات موسیقی نیامد، در زمان وی رایج بوده‌اند. نظیر اوزان، قوپوز، یاتوغان، بورغوش، شیدرغو، اگری و جز آن که از سازهای معروف ترکی است و در جامع الالحن هم توصیف آنها آمده است.

رساله‌ی جامی در دو بخش عمده «علم تالیف» و «علم ایقاع» تدوین شده است. در بخش علم تالیف از کیفیت الحان سخن می‌گوید و در بخش «ایقاع» مطالب رسالات کهن را به طور فشرده تکرار می‌کند.

از مقدمه‌ای که بر رساله نوشته است پیداست که از دوران جوانی به دنبال آموزش و تعلم علم موسیقی بوده است. رساله‌ی جامی نثری بسیار شیوا و دلنشین دارد و می‌توان آن را از نمونه‌های با ارزش نثر فارسی سده‌ی نهم به حساب آورد.

به بحث‌هایی موسیقایی پرداخته است.

از رساله‌ی «صیحه و صدا» هنری فارمر در دو اثر خود «فهرست منابع موسیقی عربی» و «تاریخ موسیقی مشرق زمین» نام برده است. نسخه‌های این اثر تاکنون شناسایی نشده است.^(۹)

قطعه‌ی منظوم

قطعه‌ای در دوازده بیت در نسخه‌ی همایون نام‌هی شهاب‌الدین منشی که در سال ۹۶۲ه. استنساخ شده است و عنوان «دانستن مقام‌ها در هر ردیف» بر خود دارد. نسخه‌ی خطی این قطعه در دانشگاه تهران مضبوط است.

رقعه‌ی صائب تبریزی

میرزا محمدعلی صائب تبریزی (۱۰۱۶ق. تبریز - ۱۰۸۱ق) که همراه خانواده‌اش به امر شاه عباس صفوی به زور به اصفهان کوچانیده شد، گذشته از دیوان گرانجای ترکی، دیوان پر حجمی به فارسی بر جای گذاشت و موجد سبک نوینی در عصر خود در شعر فارسی شد که برخی‌ها به آن «سبک هندی» نام داده‌اند.

صائب تبریزی در موسیقی نظری و عملی نیز صاحب نظر بود و خود، ساز می‌نواخت. در تاریخ ادبیات ترکی معروف است که وی در سبک «عاشیق»‌ها^(۱۰) در آمده بود. به فارسی رقعته‌ای از او بر جای است که به مناسبت وصول فرمان شاه عباس مبنی بر منع شراب و آواز، نگاشته است و در آن به ذکر اصطلاحات موسیقایی و طریقه‌ی نواختن سازها پرداخته است.

رساله‌ی بنایی

علی بن محمد المعمار بنایی سالها در خدمت امیر یعقوب اوزون حسن آق قویونلو زندگی می‌کرده است و به او ارادت خاصی داشته است. پس از فوت امیر یعقوب، در ۸۹۶ ه. وی در تبریز، مثنوی «باغ ارم» را به یاد او سرود. گزیده‌ای از این مثنوی در تهران چاپ شده است.^(۱۱) وی در سال ۹۱۶ ه. در حمله یاراحمد اصفهانی به ماوراءالنهر، به روایت «خواند میر»، کشته شد.

بنایی رساله‌ی موسیقی خود را به امیر نظام‌الدین علی شیر نوائی (۸۴۱-۹۰۶ ه.) دانشمند و هنردوست سلطان حسین بایقرا تقدیم کرده است و او را «نظام السلطنه‌ی والدوله‌ی والدین» نامیده است.

اشخاصی و از آن میان شاه محمد قزوینی یکی از مترجمان فارسی «مجالس النفاث» سعی کرده‌اند که مبلغ کینه و دشمنی فرضی میان او و امیر وزیر دانشمند تاریخ اسلام شوند، حتی ناشر کتاب در سال ۱۳۶۸ در

مناظره‌ی صاحب‌دل و چنگ

رساله‌ای منثور و منظوم از حسامی بن محمد رشید صرف خوارزمی (معروف به حسامی قرآکولی) بر جای است که در آن گفتگویی میان صاحب‌دل، چنگ و اجزای چنگ می‌رود. وی این رساله را به سبک گلستان سعدی و به نثر مسجع نگاشته است.

از حسام بن محمد رشید گذشته از این رساله، سه اثر زیر نیز بر جای مانده است: ۱- مناظره‌ی گل با مل ۲/ - مناظره‌ی شطرنج با نرد ۳/ - نزهة العاشقین. از این رساله، یک نسخه در موزه‌ی بریتانیا بازشناسی شده است.^(۸) و از آثار قرن دهم هجری به شمار می‌رود.

هفت جام

هفت جام اثر منظوم حکیم ملا محمد فضولی، متکلم، شاعر و ادیب زبردست قرن نهم و دهم هجری است که در ۳۳۷ بیت و در بحر متقارب «فعولن، فعولن، فعول» سروده شده است.

اثر شامل مقدمه، هفت قسم و خاتمه است. شاعر در هر قسم با یکی از آلات موسیقی مباحثه‌ی عرفانی می‌کند و آن را «هفت نشئه جام» می‌نامد. در نشئه‌ی نخست بانی، در نشئه‌ی دوم با دفه سوم با چنگ چهارم با عود، پنجم با سه تار یا طنبور، ششم با قانون و در نشئه‌ی هفتم با خود مطرب سخن می‌گوید. مقدمه‌ی آن چنین آغاز می‌شود:

سر از خواب غفلت چو برداشتم / لوای فراست
برافراشتم
فکندم به آثار حکمت نظر / به معموره‌ی صنع کردم
گذر

ندیدم به از میکده منزلی / چو پیر مغان مرشد کاملی
اصطلاحات موسیقایی به کار رفته در هفت جام چنین است: آلت، آواز، اصول، بانگ، بحر، پرده، پوست، تار، جلاجل، چنگ، حزین، خنیاگر، داد، دایره، دف، دلگشا، دوره، راسته رقص، روح، روح‌افزا، راه، زار، زهره، ساز، سرود، سیم، شکسته، صفا، ضرب، طرب، طنبور، عشاق، عمل، فرح، قانون، گشایش، گفتار، مثنوی، مخالفه مطرب، معنی، مقام، مهربانی، ناله، نغمه، نوا، نهفت، نی.

صیحه و صدا

اثر جلال‌الدین محمد دوانسی (۸۳۰-۹۰۸ ه.) اندیشمند و عالم اخلاق در قرن نهم در عهد سلطان یعقوب آق قویونلو، صاحب رسالات و آثار فراوان از جمله کتاب گرانقدر «اخلاق جلالی» است که در آن کتاب نیز

مقدمه‌ای که بر آن نوشته‌اند سعی کرده‌اند با ذکر روایاتی غیر معتبر و موهن، بنایی را هزل و اهجاج نشان دهند و نیز هیبت و عزت تاریخی امیر علی شیر را زیر سوال ببرند. (۱۲) این ناشران بدون اشاره به سندی معتبر، نوشته‌اند: «... بعد از فوت یعقوب (منظور امیر یعقوب آق قویونلو) در [سال] ۸۹۶هـ. بنایی به هرات بازگشت و از بیم مجازات امیر علی شیر نوایی (۵) به ماوراء النهر رفت...» (۱۳)

خود امیر علی شیر در «مجالس النفاث» درباره‌ی او می‌گوید: «مولانا بنایی از مردم میانه است و مولدش از شهر هری است و به غایت، قابل کسی است و فضایل او بسی است. اول به تحصیل علوم مشغول گشته، آخر چون در میان اهل علم نامدار شد، و از جمله اکابر ایشان گردیده، به تحسین خط میل فرموده و چون خط کامل از حسن خط حاصل کرده، یکی از خطاطان زمان گشته، و در علم موسیقی علم است و استاد اهل موسیقی و تصانیف و نقشها و نغمه‌ها و پیشروهای او در میان مردمان مشهور و معروف است و در «ادوار» دو رساله نوشت.» (۱۴)

خود بنایی هم هنگام تقدیم رساله‌ی موسیقی به امیر علی شیر نوایی می‌گوید: «... امیدوار که مختصر تحفه‌ی این شرمسار به لحاظ التفات اختصاص باید و فروغ ضمیر منیر خورشید تاثیر بر تدبیر کار و چهره‌ی روزگار این ذره‌ی حقیر تابد و طبع نقاد و ذهن وقاد او که جامع جمیع کمالات است، خصوصاً علمی این فن بدیع و عملی این علم رفیع، نویسنده را در مواقع خلل و مواضع زلل به مقتضای قضیه رضیه مرضیه و اذا مروا باللغو مروا کراما از تعرض و اعتراض، اعراض و اغماض نموده عفو فرماید.» (۱۵)

رساله‌ی بنایی، دیباچه، مقدمه، دو مقاله و یک خاتمه دارد. مقاله نخست در «علم تالیف» به ۱۱ فصل و مقاله ثانی در «علم ایقاع» به سه فصل تقسیم شده است.

نسخه‌ی اصلی مستنسخ به خط خود مولف که بر جای مانده است، نسخه‌ای بسیار نفیس است که اشکال و جدولهای ایقاعی ادوار را در آن رسم کرده است و در آن، از ۸۴ دائره نام برده است که در میان آنها به نامهای بدیعی مانند: بخاری، عذار، معشوق، خزان، وصال، غمزدا، مهرجان، دلگشا، مجلس افروز، جانفزا، وامق و جز آن بر می‌خوریم که کمتر در رسالات موسیقی از آنها یاد شده است. مطالب رساله اغلب تکرار و تلخیص است از کتاب «الادوار» صفی الدین اورموی که بارها از او با عنوان «صاحب ادوار رحمه‌الله» یاد می‌کند و نیز نیم نگاهی به آثار «عبدالقادر مراغه‌ای» دارد که او را چنین توصیف می‌نماید: «... آنچه از قول وحید الدهر و الاوان و فریدالعصر و الزمان دستور مفاتیح الغیب فی فتح جنان العشاق، المشهور به استنباط الوصول من الاصول من اهل

خراسان و عراق، المستریح فی جوار رحمه‌ی ربه الغافر، برهان الملهمی والدین عبدالقادر روح الله روحه و زاد فی غرف الجنان فتوحه معلوم می‌شود...» (۱۶)

وی بسیاری از مطالب، مثلاً اسامی آوازات سته شعبات بیست و چهارگانه را عیناً از آثار عبدالقادر نقل کرده است و تنها در ترتیب ذکر و ضبط اسامی آنها اندک اختلاف وجود دارد. مثلاً عبدالقادر «بیاتی» گفته و بنایی «توروز بیاتی» آورده است و یا عبدالقادر «مایه» گفته و بنایی «مائه» نوشته است و از این قبیل.

هنر بنایی در نقل و بازگو کردن نگاشته‌های صفی الدین اورموی و عبدالقادر مراغه‌ی همانگونه که مقدمه نویسان نشر این رساله نیز دریافته‌اند: «اهتمام در پوشاندن لباس اختصار و ایجاز بدانها و ساده و زودفهم کردن مطالب» است. (۱۷)

نسخه‌ی نفیس به جا مانده به خط خود مولف، به لحاظ محتوای جداول و اشکال گوناگون و متعدده‌ان هم با به کار رفتن دو رنگ متمایز سیاه و سرخ یعنی دوده یا مرکب و سنگرف، نیز تشخیص خاصی دارد. (۱۸)

در این جداول بنا بر نظام ادواری قدیم، ساختار تنگمی ۸۴ دوری را که صفی الدین اورموی از پیوند یا ترکیب هفت نوع ذی الاربع (چهارگانه) (۱۹) با دوازده نوع ذی الخمس (پنجگانه) (۲۰) به دست آورده بود، با حروف ابجد نگاشته است و اسامی آن‌ها را هم ذکر کرده است. (۲۱)

پانویسها:

- ۱- این رساله در «کیهان اندیشه» (ش ۴۴) چاپ شده است.
- ۲- ایرانی، پیشین، ص ۵۹.
- ۳- همان، ص ۶۷.
- ۴- همان، ص ۶۲.
- ۵- ستایشگر (۳)، ص ۶۱۰.
- ۶- همانجا.
- ۷- «رساله جامی» از ملاح، حسینی، مجله‌ی موسیقی، ش ۱۰۷ تا ۱۰۷، تهران، ۱۳۳۴.
- ۸- مجله‌ی هفتگی سینما، صفحه ۲۰، شماره ۴۰۶.
- ۹- مشحون، ۱۳۳۴، ستایشگر (۳)، ۶۸۴.
- ۱۰- «عاشق» نام نوازندگان و خوانندگان بومی آذربایجان است که به چندین هنر آراستند و هنر سرایندگی و خوانندگی و نوازندگی و نقالی را با هم دارند.
- ۱۱- بنایی، علی، باغ ارم، به کوشش اسدالله مصطفوی، تهران، ۱۳۵۱.
- ۱۲- علی بن محمد معمار بنایی، رساله موسیقی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۸، مقدمه، ص ۶.
- ۱۳- همان، ص ۷.
- ۱۴- میرنظام الدین علی شیر نوایی، تذکره مجالس النفاث، تهران، ۱۳۶۳، ص ۳۳۳ و ۶۰.
- ۱۵- بنایی، علی محمد معمار، پیشین، ص ۶.
- ۱۶- پیشین، ص ۲۶.
- ۱۷- همان، ص ۲۰.
- ۱۸- همان، ص ۲۰.
- ۱۹- Tetrachord.
- ۲۰- Pentachord.
- ۲۱- رک، علی محمد معمار بنایی، پیشین.